

A Content and Stylistic Study of Bahr Al-Khavvas*

Mohammad Mahdi Pourgholamali¹

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature Valiasr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran.
E-mail: pourgholamali@vru.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 7 September 2024

Received in revised form 7

October 2024

Accepted 13 October 2024

Published online 1 February

2025

Keywords:

Bahr al-Khavvas,

Tabib Kermani,

Qarabadin,

Intermediate prose,

Manuscripts.

ABSTRACT

Purpose: Bahr al-Khavass is one of the most important qarabadins of the 9th century AH. The inclusion of drug substitutes, local names of herbs, and the incorporation of the opinions of numerous physicians alongside the author's own theories significantly enhance the work's importance. The aims of this research are to identify the author, to introduce Bahr al-Khavass and its characteristics, and to determine its place among similar works.

Method and Research: This research employs a descriptive-analytical method to introduce and examine the content of Bahr al-Khavass.

Findings and Conclusions: Bahr al-Khavass is a compilation of the opinions of more than 60 physicians and the author's own theories. The translation of the herbs names into five languages and seven dialects, and the presentation of new drug combinations, make it an outstanding work. The prose of Bahr al-Khavass is intermediate; the use of archaic grammatical and morphological structures, literary devices, and reflections of the author's personal thoughts in the text are minimal.

Conclusions: Bahr al-Khavass was influenced by Golestan and Ekhtiyarat-e- Badii. The first article includes herbs names in Persian, Turkish, Arabic, Hindi, and Greek, along with dialects from Egypt, Shami, Khorasani, Kerman, Shiraz, and Kabul. The author utilizes the opinions of Avicenna, Ansari, Arastatalis, Tabari, and others. Archaic linguistic and grammatical structures and literary devices such as antithesis, rhyme, parallelism, simile, and metaphor are infrequent. The author's act of praise, his study of medical and astronomical works, and his relative knowledge in these fields are prominent themes in this work.

*Cite this article: Pourgholamali, Mohammad Mahdi. (2024). A content and stylistic study of Bahr al-Khavass. *Journal of Prose Studies in Persian Literature*, 27 (56), 23-38. <http://doi.org/10.22103/jpl.2025.24012.3156>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22103/jpl.2025.24012.3156>

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman.

EXTENDED ABSTRACT

1. Introduction

Bahr al-Khavass, authored by Tabib Kermani, is one of the most important medical books written in the 9th century AH. Seven manuscripts of this work exist in libraries around the world. This book, a pharmacopoeia encompassing various herbal, mineral, and animal medicines and their combinations, holds significant importance due to its inclusion of substitutes for rare drugs, local names of spices in Iran and other countries, and the compilation of opinions from numerous physicians alongside the author's own perspectives. The correction and introduction of this work will lead to a better understanding of its place among similar works, the identification of drug substitutes, and the presentation of novel treatments in traditional medicine.

2. Methodology

This research employs a descriptive-analytical method to introduce and examine the content of Bahr al-Khavass.

3. Discussion

Bahr al-Khavass is a compilation of existing opinions found in Ekhtiyarat-e- Badiei and the theories, research, and observations of the author and more than 60 other physicians, some of whom remain anonymous. The translation of herbs names into five languages and seven dialects, along with the presentation of new drug combinations, makes Bahr al-Khavass a remarkable work. The prose of this work is intermediate; the preface employs an artificial and ornate style adorned with literary devices, while the rest of the text adopts a more scientific style. The usage of archaic linguistic and grammatical structures, the employment of literary devices, and the reflection of the author's personal thoughts in the text are minimal.

4. Conclusion

Bahr al-Khavass written by Tabib Kermani comprises a preface, three articles, and a conclusion. Its composition directly reflects the influence of Ekhtiyarat-e- Badiei and Saadi's Golestan. The inclusion of herbs names in five languages (Persian, Turkish, Arabic, Hindi, and Greek) and seven dialects (Egyptian, Shami, Khorasani, Kermani, Shirazi, and Kabuli) enhances the work's importance. Bahr al-Khavass draws upon the opinions of renowned physicians such as Avicenna, Fakhr al-Din al-Razi, Ansari, Jalinous, Dioscorides, Ibn-Siraj al-Din Joozjani, Ibn Masouyeh, Jahez, Aristotle, Tabari, Hippocrates, and others. Summarization, detailing, and modification of other physicians' prescriptions, medical astrology, magical and superstitious prescriptions, the presentation of drug substitutes, and the mention of several treatments for a single disease are among other features of Bahr al-Khavass. Similar to the prose style common in the Timurid period, the work begins with a preface in artificial prose style interspersed with a few literary devices such as antithesis, rhyme, parallelism, simile, and metaphor, followed by a more scientific style. The language is simple, interspersed with Arabic words, and the number of archaic and unfamiliar structures and words is not significant. The praise of Ghiyas al-Din Abu'l-Muzaffar, the study of similar works, and the author's relative mastery of medicine and astronomy are prominent themes in this work.



معرفی نسخه خطی بحرالخواص و بررسی محتوایی آن*

محمد مهدی پورغلامعلی^۱

۱. استادیار، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولی عصر رفسنجان، رفسنجان، ایران. رایانامه: pourgholamali@vru.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: بحرالخواص اثر طبیب کرمانی از مهم‌ترین کتاب‌های طبی نگارش شده در قرن نهم هجری است که هفت دست‌نوشته از آن در کتابخانه‌های سراسر جهان موجود است. این اثر که قرآبادینی در انواع داروهای گیاهی، معدنی و حیوانی و ترکیبات حاصل از آن‌هاست؛ از حیث درج بدل داروهای کمیاب و نام محلی ادویه‌ها در ایران و سایر ممالک و فراهم‌آوردن آرای حکیمان متعدد در کنار نظریات مؤلف، اهمیت ویژه‌ای دارد. تصحیح و معرفی این اثر موجب شناخت جایگاه آن در میان آثار مشابه، شناخت بدل داروها و ارائه درمان‌های دارویی نوین در طب سنتی خواهد شد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳	
کلیدواژه‌ها: بحرالخواص، طبیب کرمانی، قرآبادینی، نثر بین‌بین، نسخه خطی.	روش: در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی به معرفی و بررسی محتوایی بحرالخواص پرداخته شده است.
	یافته‌ها: بحرالخواص حاصل تجميع آرای موجود در اختیارات بدیعی و نظریات، تحقیقات و مشاهدات مؤلف و بیش از ۶۰ حکیم دیگر است که برخی از آنان ناشناس‌اند. ترجمه ادویه‌ها به پنج زبان و هفت گویش و ارائه ترکیبات دارویی جدید، بحرالخواص را به اثری قابل توجه تبدیل کرده است. نثر این اثر بینابین است؛ به طوری که دیباچه کتاب نثری مصنوع و متکلف و آراسته به آرایه‌های لفظی و ادامه متن نثری علمی دارد. همچنین کاربردهای کهن زبانی و نحوی، استفاده از آرایه‌های معنوی و انعکاس اندیشه‌های ذهنی مؤلف در متن اندک است.
	نتایج: بحرالخواص اثر طبیب کرمانی مشتمل بر یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه است و در نگارش آن به صورت مستقیم از اختیارات بدیعی و گلستان سعدی تأثیر پذیرفته شده است. درج اسامی ادویه به پنج زبان فارسی، ترکی، عربی، هندی و یونانی و هفت گویش مصری، شامی، خراسانی، کرمانی، شیرازی و کابلی بر اهمیت این اثر افزوده است. در بحرالخواص از آرای حکیمان مشهوری چون ابوعلی سینا، فخرالدین رازی، انصاری، جالینوس، دیسکوریدوس، ابن سراج‌الدین جوزجانی، ابن ماسویه، جاحظ، ارسطاطالیس، طبری، بقراط و ... استفاده شده است. تلخیص، تفصیل و تغییر دستورات دارویی دیگر حکیمان، نجوم پزشکی و دستورات دارویی جادویی و خرافی، ارائه بدل داروها و نقل چندین درمان برای بیماری واحد از ویژگی‌های دیگر بحرالخواص است.

* استناد: پورغلامعلی، محمد مهدی (۱۴۰۳). معرفی نسخه خطی بحرالخواص و بررسی محتوایی آن. نشریه‌ی ادب فارسی، ۲۷ (۵۶)، ۳۸-۲۳.



۱. مقدمه

پیشینه طب سنتی در ایران به حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح و به شخصی به نام تریتا بازمی‌گردد. چنانکه در اسناد مکتوب ایرانی آمده‌است؛ تریتا به‌وسیله اهورامزدا به زرتشت معرفی شده و به خواص گیاهان دارویی آگاه بوده‌است. (ن.ک فرخ‌نیا، ۱۳۸۲: ۷۸) نخستین آثار مکتوب طبی در ایران به دستور شاپور اول و هم‌زمان با تأسیس مدرسه گندی‌شاپور با ترجمه پهلوی تألیفات پزشکی بقراط و جالینوس فراهم آمده‌است. (ن.ک نجم‌آبادی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۹۷)

تألیف آثاری که به صورت مستقل به «ماهیت و خواص ادویه مفرده و مرکبه» می‌پرداخت و به قرابادین معروف بود؛ از ابتدا مرسوم نبود (ن.ک دانشفرد، ۱۳۹۱: ۵۰) و معرفی ادویه و ترکیبات آن تا قرن سوم هجری، تنها بخشی از کتاب‌های طبی را به خود اختصاص می‌داد. نخستین قرابادین مستقل تألیف شده در ایران، کتاب «الاقربادین» نوشته شاپور بن سهل‌گندی شاپوری بود که از اواخر قرن سوم تا ششم در دکان‌های ادویه‌فروشی استفاده می‌شد. (ن.ک صفا، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۹)

بیشترین آثار طبی و داروشناسی در قرون هفتم و هشتم هجری در ایران نوشته و شرح شد. «شرح قانون قرشی» اثر ابن‌نفیس قرشی، «التحفه السعدیه» و «رساله فی بیان الحاجات الی الطب و آداب الاطبا و وصایاهم»، اثر علامه قطب‌الدین شیرازی، «نفائس الفنون» اثر شمس‌الدین محمد بن محمود آملی و «الاسباب و العلامات» نجیب‌الدین سمرقندی و شرح برهان‌الدین نفیس بن عوض کرمانی بر آن از جمله این آثار است. با کاسته شدن مخالفت متشرعان نسبت به علوم عقلی در قرن نهم و اوایل قرن دهم، مؤلفان بیشتر به شرح‌نویسی و حاشیه‌نویسی برکتب معروف طبی پرداختند، اما با قدرت گرفتن تشیع در فاصله قرن دهم تا دوازدهم، علوم عقلی از جمله طب و داروشناسی بار دیگر به حاشیه رانده می‌شود؛ اما نگارش آثاری از این نوع، کاملاً متوقف نمی‌شود. (ن.ک رضوی برقی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۳)

بسیاری از شرح‌های نوشته شده بر کتاب‌های طبی در عصر تیموری، همچنان تصحیح نشده‌است. بحرالخواص اثر طبیب کرمانی از جمله همین آثار است. در ادامه به معرفی و بررسی این کتاب خواهیم پرداخت.

۱.۱. بیان مسئله

بحرالخواص اثری طبی است که به وسیله طبیب کرمانی در قرن نهم هجری قمری نوشته شده‌است. نویسنده این اثر را به خواست پادشاه زمانش، غیاث السلطنه الدین ابوالمظفر که از عالمان آن روزگار بوده، تألیف و به وی تقدیم کرده‌است. این کتاب از معدود قرابادین‌های چند زبانه است که تعداد قابل‌توجهی از بدل داروها، اسامی محلی ادویه‌ها و ترکیبات دارویی در آن ضبط شده‌است. این ویژگی بحرالخواص را در رده قرابادین‌های طراز اولی چون کامل‌الصناعه و اختیارات بدیعی قرار می‌دهد. نقد آرای حکیمان متعدد و تبیین قوت و ضعف درمان‌های ارائه شده به وسیله آن‌ها، ترجیح برخی آرا بر برخی دیگر و ارائه نظریات نو و حکیمانه به وسیله طبیب کرمانی؛ بیانگر مطالعه قرابادین‌های متقدم و تسلط و تجربه وافر طبیب کرمانی در دانش طب سنتی است.

در این پژوهش ضمن معرفی این اثر به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود. اسامی ادویه در بحرالخواص به چه زبان‌ها و گویش‌هایی ترجمه شده‌است؟ طبیب کرمانی در نگارش بحرالخواص از کدام آثار و چگونه تأثیر پذیرفته‌است؟ مؤلف از آرای کدام حکیمان در اثر خود بهره گرفته‌است؟ سبک نوشتار مؤلف، متناسب با سبک کدام دوره است؟ موضوع کتاب چه تأثیری در شیوه انعکاس ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری مؤلف در متن داشته‌است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها ابتدا به استنساخ کامل‌ترین دست‌نوشته به‌دست آمده از این اثر پرداخته شد و سپس با مطالعه آن، محتوای اثر و ویژگی‌های برجسته آن بررسی شد.

۲.۱. پیشینه پژوهش

بحرالخواص تاکنون موضوع هیچ پژوهشی نبوده است. در کتاب فهرست توصیفی دست‌نوشته‌های پزشکی دوره اسلامی تنها به اطلاعات کتابشناسی این اثر (پدیدآور، سال تألیف، جملات آغازین و پایانی، موضوع پزشکی، تقدیم شدن به غیاث السلطنه الدین و الدین و نگارش آن در یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه) اشاره شده است. (ن. ک. به بیگ باباپور، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴۰۹)

۳.۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

تصحیح و معرفی این اثر از حیث معرفی نویسنده، پرداختن به اسامی محلی داروها به زبان‌ها و گویش‌های متعدد، معرفی بدل داروها، ارائه ترکیبات جدید دارویی در درمان بیماری‌ها به وسیله مؤلف، شناخت سبک مؤلف و معرفی محتوای این اثر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. بحث

بحرالخواص تألیف نعمت‌الله مغیث‌الدین محمدطیب کرمانی متخلص به حکیمی از نویسندگان قرن نهم هجری است که به پادشاه زمان او غیاث‌السلطنه الدین و الدین ابوالمظفر تقدیم شده است. طیب کرمانی با جمع‌آوری آرای حکیمان متعدد، تحقیق در معادل‌های محلی ادویه در ایران و دیگر ممالک و افزودن دانش و تجربیات خود، اثری جامع در طب سنتی فراهم آورده است که در نوع خود بی‌نظیر است. در ادامه به معرفی بحرالخواص و مهم‌ترین ویژگی‌های آن خواهیم پرداخت.

۱.۲. معرفی دست‌نوشته‌های «بحرالخواص»:

در مجموع هفت دست‌نوشته از بحرالخواص شناسایی شده است که دو نسخه از آن در ایران و سایر نسخ در تاجیکستان، انگلستان و روسیه نگهداری می‌شود. متأسفانه به رغم تلاش‌های فراوان، امکان دسترسی به نسخ خارج از ایران به دلیل عدم همکاری مؤسسات و قیمت بالای ارز مقدور نشد. ویژگی‌های نسخ یادشده، چنین است:

ا. نسخه‌های خطی مؤسسه البیرونی ازبکستان: در جلد نخست فهرست نسخ خطی شرقی منتشرشده از این مؤسسه، به وجود سه نسخه از این اثر در این مؤسسه البیرونی اشاره شده است. (موسیف، ۱۹۵۱: ۳۶)؛ اما تنها مشخصات مختصری از متقدیم‌ترین آن‌ها که متعلق به قرن ۱۷ میلادی است، درج شده است. این نسخه حاوی ۴۰۴ صفحه در اندازه ۲۷×۱۹ سانتی‌متر است و شماره ثبت آن ۲۱۴۶ است.

ب. نسخه خطی بنیاد خاورشناسی فرهنگستان شوروی:

این دست‌نوشته به شماره ش ۶۴۸ C در بنیاد خاورشناسی فرهنگستان شوروی به ثبت رسیده است. خط این دست‌نوشته نستعلیق هندی، عناوین آن شنگرف و تاریخ کتابت آن ۱۲ تا ۱۳ هـ ق تخمین زده شده است. تاریخ تألیف این اثر ۸۶۸ هجری قمری است و در یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه تألیف شده است.

ج. نسخه انجمن پادشاهی آسیایی لندن:

این دست‌نوشته به شماره 5855. OR و به نام نعمت‌الله بن مغیث‌الدین محمد بن فخرالدین مبارکشاه، متوفی ۸۰۰ هـ ق ضبط شده است. تاریخ کتابت آن، قرن یازدهم هجری قمری است. تعداد صفحات این نسخه ۴۲۵ صفحه و هر صفحه ۲۰,۹* ۱۲,۷ سانتی‌متر است.

د. نسخه کتابخانه مسجد اعظم:

این دست‌نوشته به شماره ۱۰۶۸ در کتابخانه مسجد اعظم قم به ثبت رسیده‌است. این نسخه فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است و به خط نسخ نوشته شده‌است. جلد آن مقوایی و شامل ۳۷ برگ است که از آغاز و پایان واجد افتادگی است. تعداد سطور در هر برگ متفاوت و اندازه هر برگ ۲۵*۱۹ سانتیمتر است. در پایان اثر متنی در مورد فوایدی القاب پادشاهان و علما و... به متن کتاب افزوده شده‌است.

هفتم نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی:

این دست‌نوشته به شماره ۱۷۹۲۷ ش در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. این اثر به خط نستعلیق نازیباً نوشته شده و شامل ۱۲۴ برگ به اندازه ۱۹*۲۴ سانتی‌متر است. عناوین مدخل‌ها و برخی حاشیه‌نویسی‌های آن با شنگرف نوشته شده‌است. این اثر فاقد تاریخ کتابت و نام کاتب است و در مقاله سوم و خاتمه واجد افتادگی است. تاریخ درگذشت مؤلف در مشخصات کتابشناسی آن، سال ۸۰۰ هـ ق درج شده‌است.

پژوهش حاضر بر اساس دست‌نوشته موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی که کامل‌ترین نسخه در دسترس از این اثر است، انجام شده‌است.

۲.۲. درباره مؤلف

نعمت‌الله مغیث‌الدین محمد بن فخرالدین مبارکشاه حکیم کرمانی، متخلص به حکیمی و معروف به طیب کرمانی از نویسندگان قرن نهم هجری قمری است. در مورد زندگی این ادیب اطلاعات چندانی در دست نیست. او در نسخ موجود از بحرالخواص در کتابخانه‌های مجلس و انجمن پادشاهی آسیایی لندن، متوفی ۸۰۰ هـ ق دانسته شده‌است. در فهرست نسخ خطی شرقی مؤسسه البیرونی ازبکستان سال درگذشت او ۱۴۷۷/م. ۸۵۵ هـ ق ذکر شده‌است (ن.ک موسیف، ۱۹۵۱: ۳۶)؛ اما تألیف شدن الهامات المعبودیه پس از سال ۸۳۰ هـ ق (ن.ک پورغلامعلی، ۱۳۹۹: ۱) و نگارش بحرالخواص در سال ۸۶۰ هجری قمری نشان می‌دهد که مؤلف حداقل تا این سال زنده بوده‌است؛ بنابراین درج سال ۸۰۰ هـ ق به عنوان سال مرگ او در برخی نسخ بحرالخواص، احتمالاً به دلیل خطای کاتبان در استنساخ نسخ رخ داده‌است. در بحرالخواص آمده‌است: «این نسخه را بحرالخواص نام نهاد در شهر ستین و ثمانمایه... به القاب همایون، پادشاه عالی‌نسب جهانگیر جهانبخش.» (طیب کرمانی، بی‌تا: ۳۷)

طیب کرمانی در مقدمه آثار خود به نام شاه زمانش، غیاث السلطنه و الدین ابوالمظفر اشاره کرده و هر دو اثر را به خواش او نوشته‌است. چنانکه در الهامات المعبودیه آمده‌است، ابوالمظفر فردی صاحب فن و متخصص در علوم مختلف، به‌خصوص در علم نجوم و مورد احترام منجمان و اکابر دوران خود بوده‌است: «چون این فقیر حقیر را ملازمت آستان آسمان رفعت حضرت سلطان السلاطین غیاث السلطنه و الدین و الدین ابوالمظفر... دست‌داده بود... هر چند آن حضرت را در تمام فنون توفیق است، به‌تخصیص در این فن، مسائل غریب و نکات عجیب بر خاطر فیاض که منبع الهامات و مخزن الاسرار غیب است، وارد می‌کنند و اکابر دهر و افاضل عصر، از فواید ذهن صاف حضرت بارفعت، که کشف مشکلات و حلّال معضلات است، بهره‌مند و مستفید می‌گشتند.» (طیب کرمانی، ۱۳۹۹: ۳۴)

آثار به‌جامانده از طیب کرمانی، گویای آشنایی وی با علم طب و نجوم است. مهارت وی در فن نثر قابل ستایش است و درج هفت بیت در مقدمه بحرالخواص نشان می‌دهد که او در شعر نیز دستی برآتش داشته‌است؛ هرچند او در این فن، مانند نثر و علوم طبیعی ماهر نیست. سه بیت از این ابیات در وصف غیاث‌الدین ابوالمظفر است:

«ممالک بگیرد به اندک زمان چو انصاف تیغ سپه کافران
شاهی که خواص اثر عنبر خلقتش حیران برد از یاد به یک دم خفقان را»
(طیب کرمانی، بی‌تا: ۳۸)

و چهار بیت دیگر در وصف مانا بودن اثر اوست:

بود باقی این نسخه چون نام شاه از امروز تا هست خورشید و ماه

بماند سال‌ها این نسخه باقی
 غرض نقشی است کز ما باز ماند
 ز ما هر ذره خاک افتاده جایی
 که هستی را نمی‌بینم بقایی
 مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت
 کند در کار این مسکین دعایی
 (همان)

نخستین اثر طبیب کرمانی، الهامات المعبودیه فی اختیارات المسعودیه، در مورد احکام نجوم و اختیارات حرکت کواکب و سیارات نوشته شده است. این کتاب شامل مقدمه، دو مقاله و خاتمه‌ای مفقود است. استفاده از نظر جلال‌الدین دوانی (۸۳۰-۹۰۶هـ.ق) به وسیله مؤلف، تاریخ نگارش این اثر را به بعد از سال ۸۳۰ هـ.ق می‌رساند. (ن.ک طبیب کرمانی، ۱۳۹۹: ۶۹)

الهامات المعبودیه در بحرالخواص چنین معرفی شده است: «بدان که این فقیر نسخه [ای] در اختیارات نجوم از اقوال اکابر فن جمع کرده و نام آن نسخه الهامات المعبودیه فی اختیارات المسعودیه نهاده و در آخر آن نسخه، خاتمه‌ای آورده و آن را کشف المشکلات نام کرده؛ اکثر الفاظ و مصطلحات و رموز و اشارات مشکل را حل کرده؛ به مشروح نوشته؛ حدود و مثلثات و مشکلات نجوم، آنچه طلبید در آن نسخه نجوم خواهند یافت.» (طبیب کرمانی، بی تا: ۱۷۹)

بخش‌بندی این اثر چنین است: مقاله اول در بیان اختیارات کلی و شامل نه باب؛ مقاله دوم شامل ۱۳۷ مورد مهم از اختیارات جزوی به ترتیب حروف ابجد و خاتمه‌ای مفقود در حل الفاظ مشکل، که اکابر در اختیارات فرموده‌اند، تحریر شده است. بحرالخواص، اثر دیگر طبیب کرمانی است که در ادامه به معرفی آن خواهیم پرداخت.

۳.۲. معرفی بحرالخواص

بحرالخواص اثری طبی، شامل مترادفات دارویی است. در این کتاب خاصیت اشیاء، حیوانات و جمادات با تجميع نظریات مؤلف و دیگر حکیمان فراهم آمده است. طبیب کرمانی بر ترجمه ادویه‌ها به زبان‌ها و گویش‌های متعدد برای استفاده همگانی از این اثر تأکید کرده است. به گفته مؤلف، نظریات دیگر حکیمان به وسیله او راستی آزمایی شده و موارد نادرست از این کتاب حذف شده است. در بحرالخواص آمده است: «پس به جمع کردن اقوال حکما و علما در خواص اشیاء مشغول شد و در این فن شریف که اشرف فنون است، شروع نموده و آنچه به فارسی بود و به جنس نقل کرد و عربی به فارسی ترجمه شد و اقوال اکابر که در این فن کوشیده‌اند؛ به آنچه صحت آن بر من فقیر واضح و لایح گشت، برگرفت و آنچه صحت آن مبرهن نبود؛ از آن بگردید.» (طبیب کرمانی، بی تا: ۳۷)

بحرالخواص در سال ۸۶۰ هجری قمری و پس از الهامات المعبودیه تألیف شده است. طبیب کرمانی، دیگر حکیمان و اطبا را به اصلاح اشتباهات متن دعوت کرده و به خاطر این اشتباهات طلب عفو و دعای خیر کرده است: «علمای حکیم عالم حقایق و حکمای مطلع دقایق و طبای حاذق؛ آنکه اگر به سهو و غلطی و سقم و صحتی مطلع گردند، چون این فقیر حقیر بر قلت بضاعت و عدم استطاعت به درک حقایق علوم معترف است؛ به زینت عفو پوشیده؛ از سر احسان در اصلاح آن کوشیده؛ تا از زمره «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» گردند و این شکسته خسته را به دعای خیر یاد فرمایند.» (همان: ۳۸)

مؤلف تنها اقوال دیگر اطبا را گردآوری نکرده است؛ بلکه اظهاراتش در بیان ویژگی‌های درمانی ادویه‌ها و ترکیبات جدید دارویی، بیانگر تسلط نسبی او بر طب سنتی است. او در بیش از ۱۰۰ مورد، تحقیقات، نظریات و مشاهدات خود را در بحرالخواص منعکس کرده است.

در مدخل «عروق الصباغین» می‌خوانیم: «عروق الصباغین و عروق الصغر و بقلة الخطایف به فارسی زرچوبه و به ترکی و هندی بلدر گویند... مؤلف گوید با روغن بر عضوی که ضربی رسیده باشد، مالند؛ نفعی عظیم کند.» (همان: ۲۱۱)

همچنین در مدخل «طالیسفر» آمده است: «تراجمه اختلاف کرده؛ هر کسی چیزی گفته اند و اکثر تحقیق نکرده اند. مؤلف گوید آنچه من در خراسان دیدم که مشهور بود به طالیسفر؛ پوست و مغز او، مانند دانه خرماى هندی بود، اما بزرگتر برابر پنج شش دانه حربای هندی باشد و در ولایت کابل، مانند طالیسفر چیزی است؛ جوز مقابل گویند، اما نه طالیسفر است.» (همان: ۲۰۵)

ذیل مدخل «دب» نیز آمده است: «و من در ولایت کابل شخصی را دیدم که زمستان در میان برف و یخ، صبح تا شام پای برهنه می‌رفت و پای او می‌سوخت و هیچ نقصان نمی‌کرد. از وی پرسیدم که سبب چیست؟ گفت: در وقت ولادت، پدرم چربی خرس در پای من مالید.» (همان: ۱۵۵)

طیب کرمانی ذیل مدخل «تانبول» آورده است: «مؤلف گوید: تانبول غیر ساذج است، تحقیق کرده شد؛ تنبول را در هندوستان برک گویند و او را با آهک صدف و فوفل خورند. اکابر و اشراف معده را قوت دهد و بر هضم غذا یاری دهد و بیخ دندان و دندان را نافع بود.» (همان: ۱۱۷)

در جایی دیگر آمده است: «اترج: به فارسی ترنج گویند. مؤلف گوید: در ولایت کابل ترنج شیرین و ترش هست و اکثر شیرین است به غایت خوشمزه، اما ترش او پوست زرد، گرم و خشک است در دوم و گوشت سفید که بعد از پوست زرد است؛ گرم و تر در اول و تخم او گرم به اندکی رطوبت و ترش او سرد و خشک در دوم.» (همان: ۸۲)

بحرالخواص شامل یک دیباچه در معرفی مؤلف و پادشاه زمان وی و علت تألیف اثر، مقدمه‌ای در تقسیم ادویه‌ها به سه نوع معدنی، حیوانی و گیاهی، شیوه نگهداری و قوت و ضعف هر یک از این ادویه‌ها و یک فصل در ذکر الفبایی ادویه‌های مفرده و ترجمه فارسی آن‌ها و سه مقاله است.

مقاله اول در منافع و مضار ادویه مفرده و بدل آن‌هاست. در این مقاله ادویه مفرده به صورت الفبایی درج شده و ویژگی‌ها و بدل هر یک در مقابل آن تشریح شده است.

مقاله دوم به مرکبات و صفت تراکیب اختصاص داده شده است و مشتمل بر پنج باب است.

مقاله سوم در منافع ادویه مفرده و مرکبات از معاجین و حبوب و ایارجات و اضمده و احلیه و اغذیه و اشربه و ادهان و غیره که در علاج هر عضوی به کار آید از سر تا به قدم. این مقاله شامل بیست و هشت باب است.

و خاتمه این اثر در مورد نسخ و الفاضی که میان اطبا متداول است و کشف مشکلات نوشته شده است. لازم به ذکر است؛ بخشی از دیباچه و مقاله سوم (باب شانزده تا بیست و هشتم) و خاتمه این اثر مفقود شده است.

در مقدمه بحرالخواص ادویه‌ها به سه نوع حیوانی، نباتی و معدنی تقسیم شده و شیوه و زمان به دست آوردن بهترین انواع ادویه‌ها به وسیله مؤلف توضیح داده شده است. به عقیده او ادویه‌های حیوانی را باید از حیوان جوان سالم در فصل بهار و ادویه‌های نباتی را پس از رسیدن اوراق، ثمر و صمغ و پیش از فاسد شدن و تغییر آن‌ها در هوای صاف و ادویه‌های معدنی را از معادن معروف که جوهر آن پاک باشد و رنگ و طعم آن تغییر نکرده باشد، تهیه کرد.

طیب کرمانی تأثیر ادویه‌های بری را بیشتر از بستانی و قوت ادویه‌های کوهی را بیشتر از بستانی می‌داند؛ بعلاوه معتقد است که ادویه‌های گیاهی، بعد از دو یا سه سال و ادویه‌های گرفته شده از صمغ، بعد از سه سال تأثیر خود را از دست می‌دهند: «گرفتن ادویه نباتی در هوای صاف اولی‌تر از هوای عفن. تخم نبات بری، اقوی از بستانی و کوهی، اقوی از بری و اکثر حشایش را قوت بعد از دو سال یا سه سال ضعیف شود و اکثر صمغ را قوت بعد از سه سال باطل شود، خاصه فریون؛ اما معدنیات را اولی آن بود که از معادن معروف گیرند و آن بهتر که جوهر او پاک و لون او تفاوت نداشته باشد و بر طعم خود باشد.» (همان: ۴۰)

او کیفیت نگهداری ادویه‌ها را نیز چنین تشریح کرده است: «اما نگاه داشتن ادویه: کافور را با جویجات یا فلفل نگاه دارند و افیون را با پوست بادام تر یا باقلا تا از تأثیر هوا تحلیل نیابد و مشک و کافور و غیره را در ظرف سر بسته کنند که سر او تنگ باشد، یا در آبگینه سر تنگ و کافور را در دبه نیز جایز است و بذور را در کوزه، سر محکم سازند و معدنیات در انبان نگاه دارند و ادویه را در خانه معتدل در حرارت و برودت و خالی از رطوبت و گشاده اما، تا دودجات را در وی راه نبرد و ادویه حاره را نزدیک ادویه‌ای که مستعد قبول روایح باشد، بیابندهاد که به سبب روایح حار، قوت او باطل نمی‌شود.» (همان)

ادویه‌ها در مقدمه به دو زبان فارسی و عربی و به شیوه الفبایی درج شده‌است. طبیب کرمانی در این مورد آورده‌است: «اما در این فصل، اسم عربی و فارسی آوردیم تا طالب به اسهل طرق به مطلوب رسد و ادویه مفرده را از طرف اول گرفته، بر ترتیب الف و بی نهادیم تا آنچه طلبند؛ ایشان توان یافت.» (همان) و پس از آن مؤلف به تفصیل به معرفی هر ادویه، کاربرد، شیوه ساخت و مصرف آن پرداخته‌است.

درج نام ادویه به پنج زبان فارسی، ترکی، عربی و هندی و یونانی، سه گویش از زبان عربی (مصری، شامی و دمشقی) و چهار گویش از زبان فارسی (خراسانی، کرمانی و شیرازی و کابلی)، اگرچه مشکلات تصحیح را دوجندان کرده‌است؛ اما بحرالخواص را به اثری برجسته از حیث شناسایی نام محلی ادویه‌ها در ایران و دیگر ممالک بدل کرده‌است که در مواردی در قرابادین‌های منتشر شده، دیده نمی‌شود. طبیب کرمانی در این مورد آورده‌است: «بدان که اسمای ادویه مفرده که در این نسخه نوشته شده، جمع کردیم. چون اسمای ادویه به السنه مختلفه افتاده و در هر ولایتی به اسمی مشهور، به عربی و فارسی و ترکی و هندی و غیره در محلش گفته شده که در هر زمان و هر ولایت چه می‌گویند» (همان) نمونه‌هایی از اشاره به نام ادویه‌ها در ممالک مختلف در این اثر به قرار زیر است: «برنجاسف به یونانی ارطاماسیا و به عربی سویلا و در خراسان بوی مادران گویند» (همان: ۱۰۱)؛ «ارغیس: اهل مصر و دمشق عودرنج گویند و به فارسی پوست بیخ زerk و زerk را به لفظ شیرازی زرشک و به کرمانی زارج گویند» (همان: ۸۱)؛ «ابریسم: به فارسی ابریشم و به ترکی ایپک و به هندی بت گویند» (همان)؛ «مورد، به کابلی خورم گویند» (همان)؛ «جرآد به فارسی ملخ و به شامی سلهوک گویند.» (همان: ۱۲۶)

معرفی جایگزین ادویه‌های کمیاب (بدل) از دیگر ویژگی‌های مهم بحرالخواص است. نمونه‌هایی از آن چنین است: «اسقیل و عنصل: به فارسی پیاز دشتی گویند. و بدل عنصل مثلث و ثلث آن وج و ثلث آن حماما باشد» (همان: ۸۶-۸۵)؛ «بدل اکیل الملک به وزن او بابونه بود و گفته‌اند: نیم وزن او برگ انجیر و گفته‌اند: به وزن آن فراسیون.» (همان: ۹۲)

درج ترکیبات جادویی از ادویه‌ها نیز بر جذابیت این اثر افزوده‌است، نمونه‌هایی از آن چنین است: «مؤلف گوید: هلیله را به گلاب سوده بر بیرون چشم مالند ورم و سرخی و سلاق را نفع کند و اگر به آب هلیله بر کاغذی کتابت کنند؛ هیچ معلوم نشود و آن کاغذ را به آب زاک، تر کنند این کتابت پیدا شود.» (همان: ۹۶)

راه‌حل‌های عملی برای بیرون‌راندن جن و دیو از محل، ذیل مدخل «سراج القطرب» آمده‌است: «بیخ او دود کنند از آن موضع شیاطین و دیوان بروند و مدت مدید باز به آن موضع نیایند.» (همان: ۱۷۹)

علاوه بر وجود ترکیبات دارویی برای درمان بیماری‌ها، شیوه‌های کاربردی برای راندن و ازبین‌بردن حیوانات موزی و خطرناک نیز به کرات در متن دیده می‌شود. ذیل مدخل «اُیل / بز کوهی» آمده‌است: «قضیب او خشک کرده، بر بازو بندند؛ هیچ گزنده نزدیک او نیاید. «هر» گوید مار از پوست او بگریزد و نزدیک او نیاید.» (ص ۹۷)

نقل ترکیبات دارویی طب اسلامی با بیان روایت‌هایی از زبان پیامبر (ص)، حضرت علی (ع)، ابن عمر، ابوهریره، ابن عباس و انس از خصوصیات دیگر بحرالخواص است: «انس روایت می‌کند که فرمودند که چهل صباح، هر صباح هر کس که یک درم اسپند بخورد، نور حکمت در گل او پیدا شود و از هفتاد و دو علت ایمن گردد که یکی از آن جذام باشد» (همان: ۱۳۶)؛ «ابن عباس رضی الله عنه روایت کند از نبی عربی صلی الله علیه و سلم فرمودند که اگر بدانند آدمیان که در حلیله چه نفع است؛ او را به زر برابر بخرند.» (همان: ۱۳۹)

به نظر می‌رسد عقاید خرافی نیز در متن بحرالخواص راه یافته‌است. طبیب کرمانی ذیل مدخل حمار اهلی چنین آورده‌است: «مؤلف گوید: در خواص آورده‌اند که کسی را عقرب بگزد؛ روی خود به طرف دم خر کرده؛ سوار شود؛ درد ساکن شود؛ او اگر در گوش خر بگوید که مرا عقرب گزیده؛ درد ساکن شود» (همان: ۱۴۲)؛ همچنین در مدخل «جمل» نگاه کردن شتر به سهیل را منجر به مرگ آن می‌داند: «یا... چشم شتر بر سهیل افتد در زمان بمیرد» (همان: ۱۳۰)؛ در جایی دیگر، کشیدن شکل صورت خرس بر گوشت خرس و سپس مالیدن چربی آن در پای کودک را موجب حفظ او از سرما شمرده‌است. ذیل مخل دب آمده‌است: «مؤلف گوید: خرس مثل گوشت پاره برآید و زبان در وی مالد تا صورت خرس بچه پیدا شود و چربی او در پای طفل مالد از سرما ایمن گردد.» (همان: ۱۵۵)

نمونه‌هایی از نجوم پزشکی نیز در متن دیده می‌شود. طبیب کرمانی بر تأثیر زمان و موقعیت سیاره‌ها در آسمان بر موفقیت آمیز بودن اعمال طبی تأکید کرده است. او ذیل مدخل سراج القطرب به زمان مناسب چیدن آن، چنین اشاره کرده است: «چون او را کنند؛ باید که مریخ در خانه خود یا شرف باشد و خانه‌های مریخ، حمل و عقرب است و حمل بهتر بود و مریخ در جدی است و بیت چهارم، درجه جدی بهتر باشد یا در یکی از مثلثات خود بود؛ اگر خانه شرف میسر شود یا در جدی از حدود خود بود و شاید که دع بر دع راجع یا محترق تحت الشعاع باشد و زهره و مشتری ناظر به دوستی باید و قمر نیز نزدیک مریخ، بلکه در برجی که مریخ است، باید که باشد.» (همان: ۱۷۸)

۴.۲. منابع بحرالخواص و شیوه تأثیرپذیری از آن‌ها

طبیب کرمانی در نگارش بحرالخواص تحت تأثیر دو کتاب اختیارات بدیعی و گلستان سعدی بوده است. اختیارات بدیعی اثر علی بن حسین انصاری شیرازی (۷۲۹-۸۰۶ق) مشهور به حاج زین‌العطار یا زین‌الدین عطار است. در این اثر، آرای دیگر حکیمان از کتاب‌هایی چون منه‌اج، کامل‌الصناعه، تحفة المؤمنین، ذخیره‌خوارزمشاهی، قانون و... گردآوری شده است. مقایسه متن بحرالخواص با اختیارات بدیعی نشان می‌دهد که مؤلف در استفاده از این اثر رویکردی چهارگانه (تلخیص، تفصیل، تغییر و ساده سازی) داشته است.

شیوه ساخت پادزهر در اختیارات بدیعی چنین آمده است: «شریف گوید: حجراتیس که به پاری پادزهر گویند؛ از ایل کوهستان شبانکاره خیزد. چون حجر التیس به سودن به آخر رسد؛ در میان آن دانه یا قدری چوب یابند و آن دانه یا چوب از مخلصه بود و بدان دانه پادزهر جمع شود و به مرور ایام می‌بندد و بزرگ می‌شود و غذای آن گوسفند گویند به غیر از مار و مخلصه نبود؛ بالجمله تریاقیت در وی هست و این مؤلف گوید: در روزگار ما در طرف شمال شیراز از قریه زرقان پادزهر شده؛ ایل بسیار در آن کوه باشد؛ همانا از شبانکاره رمی کرده‌اند یا از نتایج ایشان در آن موضع افتاده‌اند و پادزهر خوب از آن موضع حاصل می‌شود.» (انصاری شیرازی، ۱۳۹۸: ۹۲۰) و طبیب کرمانی آن را در بحرالخواص اینگونه خلاصه کرده است: «و پادزهر حیوانی که از بر شبانکاره شود در حرف یاء گفته شده. آن بز که پادزهر اندرون او شود؛ مخلصه و مار افعی خورد؛ پادزهر در اندرون او پیدا شود و گوید غیر از مخلصه و مار افعی چیزی دیگر نخورد.» (طبیب کرمانی، بی‌تا: ۲۶۵)

نمونه تفصیل مطلب در بحرالخواص را ذیل مدخل بادرنجبویه می‌توان دید. طبیب کرمانی آورده است: «سج» گوید: در تقویت دل و و دماغ و جگر و خفقان شیدایی و بلغمی نظیر ندارد و بدل بادرنجبویه در تفریح، به وزن آن ابریشم به وزن آن و چهار دانگ وزن او پوست ترنج و گفته‌اند: بدل او لسان الثور است» (همان: ۹۹) و در اختیارات بدیعی آمده است: «و آن را مفرح القلب المحزون خوانند و بدل وی در تفریح به وزن آن ابریشم و چهار دانگ وزن آن، پوست اترج بود.» (انصاری شیرازی، ۱۳۹۸: ۴۵۰) جز این طبیب کرمانی در تعداد محدودی از مدخل‌ها به ساده‌سازی کلمات و کاربرد واژه‌های فارسی به جای کلمات و عبارات عربی اقدام کرده است. در اختیارات بدیعی ذیل مدخل «زیت» آمده است: «بدل زیت کهن گویند روغن خروع است و گویند روغن فجل و در ادویه قتاله زبد البحر» (انصاری شیرازی، ۱۳۹۸: ۱۰۷) و در بحرالخواص می‌خوانیم: «و بدل زیت کهنه، روغن بیدانجیر است و گویند روغن ترب.» (طبیب کرمانی، بی‌تا: ۱۹۷).

تغییر نوع و اندازه‌های دارویی از دیگر رویکردهای مؤلف در استفاده از منابع طبی است. در بحرالخواص آمده است: «یا» گوید: بدل زرنباد جهت گزیدن جانوارن و باد غلیظ، یک و نیم وزن آن درونج و نیم وزن دو دانه اترج.» (همان: ۱۹۲) و در اختیارات بدیعی ذیل مدخل زرنباد می‌خوانیم: «و بدل آن رازی گوید: در مداوای گزندگی جانوران و بادهای غلیظ، یک وزن و نیم آن دانه اترج و گویند بدل آن شیطرج و راسن بود.» (انصاری شیرازی، ۱۳۹۸: ۳۴۵)

گلستان سعدی از دیگر آثاری است که مؤلف به آن چشم داشته است. مقایسه دیباچه گلستان با آنچه از دیباچه بحرالخواص به جا مانده است، نشان می‌دهد که طبیب کرمانی در سبک نگارش، انتخاب واژگان، محتوا و آمیختن نظم به نثر، متأثر از گلستان

سعدی بوده‌است. در دیباجهٔ گلستان آمده‌است: «اما به اعتماد سعت اخلاق بزرگان که چشم از عوایب زیردستان بپوشند و در افشای جرایم کهتران نکوشند؛ کلمه‌ای چند به طریق اختصار از نوادر و امثال و شعر و حکایات و سیر ملوک ماضی رحمهم الله در این کتاب درج کردیم و برخی عمر گرانمایه بر او خرج. موجب تصنیف کتاب این بود. و بالله التوفیق.

بماند سال‌ها این نظم و ترتیب ز ما هر ذره خاک افتاده جایی
غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت کند در کار درویشان دعایی
(سعدی، ۱۳۶۸: ۵۷)

در بحرالخواص آمده‌است: «در جوار کمال عاطفت و مرحمت علمای حکیم عالم حقایق و حکمای مطلع دقیق و اطباء حاذق آنکه اگر سهو و غلطی و سقم و صحتی مطلع گردند، چون این فقیر حقیر بر قلت بضاعت و عدم استطاعت به درک حقایق علوم معرفت به ذیل عفو پوشیده؛ از سر احسان در اصلاح آن کوشیده، تا از زمره «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» گردند و این شکسته خسته را به دعای خیر یادفرمایند.

بماند سال‌ها این نسخه باقی ز ما هر ذره خاک افتاده جایی
غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی‌بینم بقایی
مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت کند در کار این مسکین دعایی
(ص ۱۹)

۵،۲- تأثیرپذیری طبیب کرمانی از داروشناسان

طبیب کرمانی در تحریر بحرالخواص از آرای بیش از ۶۰ حکیم بهره‌برده‌است، اما در ارجاع آرای طبیبی چندان دقیق عمل نکرده؛ به‌طوری‌که جز نام قطب‌الدین شیرازی، ابوعلی سینا، جالینوس، دومطریوس، ماغنوس، دیسقوریوس و دیمقراطیس آن هم به صورت انگشت‌شمار، اسامی دیگر حکیمان را به صورت مخفف آورده، یا کاملاً حذف کرده‌است. به عنوان مثال، نام جالینوس ذیل مدخل «مشک طرامشیر» در بحر الخواص حذف شده‌است.

در اختیارات بدیعی آمده‌است: «و جالینوس گوید: بدل وی در ادرار، عدس مر بود دو وزن آن و شاپور گوید: بدل آن اکیلل الملک بود و گویند بدل آن شقایق است» (انصاری شیرازی، ۱۳۹۸: ۹۴۴) و در بحرالخواص می‌خوانیم: «و بدل مشک طرامشیر در ادرار دو وزن او عدس مر است و گفته‌اند بدل او اکیلل الملک است و گفته‌اند شقایق است.» (طبیب کرمانی، بی‌تا: ۲۶۹) اگرچه مؤلف تلاش کرده، در استفاده از آرای حکیمان، جانب امانت را رعایت کند، اما نبود راهنمایی برای مخففات نام حکیمان در اثر و مجهول‌ماندن برخی از این مخففات، استفاده از حروف مشترک برای نام‌گذاری حکیمان مختلف و حروف مخفف متعدد برای نام‌گذاری یک حکیم از مواردی است که مصحح را برای یافتن نام کامل حکیمان، دچار مشکل کرده‌است.

مقایسهٔ متن بحرالخواص با اختیارات بدیعی منجر به کشف نام کامل برخی از این مخففات شده‌است. در بحر الخواص آمده‌است: ««دوس» گوید: قرن ایل، شاخ او بسوزند با سرکه بخورند؛ نفت دم و قرحه امعا و اسهال مزمن و یرقان و درد مثانه را نفع کند و سیلان حیض و رطوبات رحم مزمن را به ادویه موافق بخورند، دفع کند.» (انصاری شیرازی، ۱۳۹۸: ۱۰۲۱)

و در اختیارات بدیعی می‌خوانیم: «رازی گوید: بهترین آن است که تازه بود و در زمان گرم گرم، صید کرده‌باشند و باید که در پختن مهرا شود و با روغن پزند و بعد از آن شراب انجیر و ماء العسل بیاشامند، اما قرن ایل دیسقوریوس گوید: چون بسوزانند و دو مثقال از آن با کثیرا بیاشامند، جهت نفث‌الدم و قرحه امعا و اسهال کهن و یرقان و درد مثانه سودمند بود و جهت زنان که سیلان رطوبت از رحم ایشان آید و مزمن شده باشد؛ نافع بود.» (طبیب کرمانی، بی‌تا: ۱۱۹)

در بحرالخواص آمده‌است: «طیس گوید: ریسمانی از پشم، در گردن گاو نر بندند؛ رام و عاجز شود» (همان: ۲۲۵) و در اختیارات بدیعی آمده‌است: «دیمقراطیس گوید: ریسمان پشمین در گردن گاوی تند بندند؛ زبون گردد و عاجز شود.» (همان: ۶۶۷)

در جدول ۱، نام کامل برخی از مخففات که از مقایسه متن بحرالخواص با اختیارات بدیعی حاصل شده، گنجانده شده است.

مخفف	نام کامل	مخفف	نام کامل
تب	منصور بن علی الکاتب الشهیر السمانی	ف	شریف
دوس/س	دیسقوریدوس	لیس	ارسطاطالیس
جوس/نوس/جس/وس/ووس	جالینوس	جا	جاحظ
طیس	دیمقراطیس	ح	مسیح بن حکم
خو	خوزی	فقّی/قی	غافقی
یا/م/را/راز/ر	فخرالدین رازی	حه	احتمالا صاحب فلاحه
هاج/سج	ابن سراج الدین جوزجانی صاحب منهج	ق	اسحاق
ن	علی بن حسین انصاری معروف به حاجی زین العطار	جویه	ماسرجویه
ویه/عیسی	ابن ماسویه	س	حبیش ابن الحس
عم	اسحق بن عمران	لس	فولس
شیخ	شیخ الرئیس	فا	فارسی
دوق	تیادوق	ط ط	طبری، بقراط
وان	علی بن رضوان معروف به ابن حبیش	اربیا	اربیا سوس
ریس	مهراریس	هر	ابن زهر
هول	مجهول	لسی	سقیان آندلسی
بحر	مؤلف بحرالجواهر	ابن/ابو/بو/شیخ	ابن سینا
یم	صاحب تقویم	وان	ابن رضوان
فره	صاحب مفرد		

جدول ۱. اسامی حکیمان در بحرالخواص

اسامی برخی مخففات که مجهول مانده اند به این قرار است: مدیم، و، ع، ل، طب، ه، سی، ره، عره، حون، سیم، سوس، م، کی، عبد، بلی، ور و ...

۶.۲. سبک‌شناسی بحرالخواص

بررسی متن بحرالخواص نشان می‌دهد که سبک مؤلف، مطابق سبک نشر در دوره تیموری، بینابین است. (ن.ک بهار، ۱۳۷۳: ج ۳، ۲۰۷)؛ زیرا در دیباچه این اثر با کاربرد جملات مسجع و آهنگین و تا اندازه‌ای مصنوع به مدح غیاث‌الدین، پادشاه زمان مؤلف پرداخته شده و متن اصلی آن به شیوه نثر علمی تألیف شده است. کاربرد مترادفات دارویی در بدنه متن و ترجمه آن‌ها از زبان عربی به چند زبان و گویش دیگر، به سادگی و روانی و قابل فهم شدن متن کمک کرده است. بسامد لغات و عبارات کهن و عربی در متن فراوان است، با این حال، کلمات کهن و عربی نامأنوس در متن کمتر دیده می‌شود. کاربرد آرایه‌ها اندک و اغلب شامل آرایه‌های لفظی است. همچنین موضوع اثر، انعکاس عقاید مؤلف در متن را محدود کرده است. در ادامه مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی بحرالخواص در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بیان شده است.

۶.۲.۱- سطح زبانی: مهم‌ترین ویژگی‌های صرفی و نحوی این اثر به شرح زیر است:

أ. بسامد بالای کاربرد لغات و عبارات عربی: کاربرد جملات و عبارات کاملاً عربی در بحرالخواص، اندک و محدود به دیباچه این اثر است. این عبارات شامل یک آیه و جملاتی در مدح غیاث‌الدین است. نمونه‌هایی از این عبارات چنین است: «المؤید

من السماء المظفر على الاعداء اسكندر دارا، شاهنشاه جهان آرا، چون خرد طبع او هنرپرور، چون فلک، نام او جهان نما، جناب السلطان الدنيا و الدين... خلد الله ملكه و سلطانه و ضاعف الله اقتداره» (ص ۳۸)؛ چون این فقیر حقیر... در اصلاح آن کوشیده تا از زمرة «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» گردند. «آل عمران/ ۱۳۴؛ طیب کرمانی، بی تا: ۳۸) مؤلف در کاربرد لغات عربی در متن به افراط گراییده است؛ به طوری که کاربرد لغات عربی را به فارسی رجحان داده است. نمونه هایی از آن چنین است: «چند روز بعد از آن هر صباح یک جرعه سرکه بخورند؛ به کلی منقطع شود، مجرب است» (همان: ۱۱۲)؛ «همه او مخفف و مقوی و مسخن و مائی اند و حدت اخلاط، فرازمی کنند» (همان: ۹۱)؛ «خون او بریان کند، دفع قرحه امعا و قلع اسهال کند.» (همان: ۹۹) ب. کاربرد ضمیر «او» برای غیرجاندار:

«ارجوان: به فارسی ارغوان گویند... پوست بیخ او بجوشانند و بخورند» (ص ۸۴)؛ «مؤلف گوید: در ولایت کابل ترنج شیرین و ترش هست و اکثر شیرین است بغایت خوشمزه؛ اما ترش او پوست زرد.» (همان: ۸۲) ج. کاربرد مترادفات: کاربرد مترادفات در مقدمه و در مقاله اول به دلیل ترجمه داروها از زبان عربی به پنج زبان و هفت گویش به وفور دیده می شود. نمونه هایی از آن چنین است: سقم و صحت (همان: ۳۸)؛ واضح و لایح (همان: ۶۷)؛ مستفید و بهره مند (همان: ۳۷)؛ اهلیج اسود: هلیله سیاه (همان: ۴۴)؛ بسد: مرجان (همان: ۴۵)؛ ابن عرس، به فارسی راسو، به هندی نول گویند. (همان: ۸۲)

د. کاربرد «سیم» به جای «سوم» و دویم به جای دوم: «مقاله سیم، که منافع ادویه مفرده و مرکبات و اغذیه که در علاج هر اندامی از سر تا قدم به کار آید» (همان: ۳۹)؛ «سرد است در چهارم و خشک در سیم» (همان: ۹۰)؛ «باب دویم: در ادویه چشم.» (همان: ۳۹۴)

ه. استفاده از واژه ها و افعال کهن: معدنیات در انبان نگاه دارند (همان: ۴۰)؛ این سرد بود در دوم (همان: ۸۱)؛ کاسه سفالی که تگ او سوراخ باشد بر سر کوزه نهند (همان)؛ و دماغ پاک کند (همان: ۸۹)؛ و اداء الحلیه را با روغن گل طلا کردن، نافع بود (همان: ۸۴)؛ درد چشم و ریش آن را نیک سازد؛ بر ریش های بد کوفته شمد کنند، به صلاح آورد. (همان) و. مقدم آوردن فعل بر اجزای جمله: «سج» گوید گرم کند معده و جگر و بیرون آورد رطوبات آن را. (همان: ۸۷) ز. استفاده از «را» فک اضافه: «اکثر حشایش را قوت بعد از دو سال یا سه سال ضعیف شود و اکثر صموغ را قوت بعد از سه سال باطل شود.» (همان: ۴۰)

ح. کاربرد «را» به معنی «برای»: ««خو» گوید: نافع بود به هیچ روی اورام بدن و ابتدای فساد مزاج را» (ص ۹۰)؛ «بستن شیر در معده را نافع بود.» (همان: ۹۴)

ط. جمع بستن کلمات عربی با علامت جمع فارسی: «طعم او تلخ و شفای همه علت هاست» (همان: ۹۵)؛ «و آن بیخ در دفع زهرها، عمل تریاق یا فاروق کند.» (همان: ۹۶)

ی. کاربرد فعل مضارع التزامی بدون «ب»: «آن سرب را برتابه آهنی نهند و قدری گوگرد بر آن پاشند» (همان: ۸۱)؛ «در چشم کشند؛ قوت باصره دهد» (همان: ۹۵)؛ «زعم بعضی است که بر رشته که عرق مدتی کوبند.» (همان: ۱۷۳)

۲.۶.۲. سطح ادبی: همانطور که اشاره شد، نثر دوره تیموری «در کتاب های علمی و غیرادبی به اقتضای موضوع و مطلب، سادگی و روانی» خود را حفظ کرده است. نثر این دوره از صنایع ادبی و آرایش های کلامی که تا پیش از آن در آثار فارسی به وفور یافته می شد؛ تقریباً خالی است. (صفا، ۱۳۸۳: ج ۳، ۲۰۳-۲۰۲)

نثر حد متوسط این دوره موجب شده است که آرایه های به کاررفته در متون علمی بیشتر از نوع آرایه های لفظی باشد تا از پیچیدگی کلام کاسته شده و متن مورد نظر برای خواننده قابل فهم باشد؛ بر همین اساس تمرکز مؤلف بر معرفی داروهای گیاهی، معدنی و حیوانی و شیوه ترکیب و درمانگری با آنها، موجب کاهش چشمگیر صنایع معنوی و لفظی در متن شده است؛

به طوری که کاربرد صنایعی چون سجع، موازنه، کنایه و تشبیه به صورت محدود در دیباچه دیده می شود و کاربرد تضاد به سبب موضوع اثر وفور بیشتری دارد. بر این اساس مهم ترین صنایع به کاررفته در این اثر شامل موارد زیر است:

ا. سجع: شمار کاربرد سجع در دیباچه ۱۲ مورد است و نمونه هایی از آن چنین است: پس به جمع کردن اقوال حکما و علما در خواص اشیا مشغول شد (طیب کرمانی، بی تا: ۳۷)؛ آنچه صحت آن بر من فقیر واضح و لایح گشت (همان: ۶۷)؛ اکابر حکما به این فقیر حقیر رسیده (همان: ۳۸)؛ این شکسته خسته را به دعای خیر یاد فرمایند (همان)

ب. موازنه: بسامد کاربرد موازنه در دیباچه ۱۶ مورد است و نمونه هایی از آن چنین است: علمای حکیم عالم حقایق و حکمای مطلع دقایق و اطباء حاذق (همان: ۳۸)؛ قلت بضاعت و عدم استطاعت (همان)

ج. تضاد: بسامد کاربرد تضاد در دیباچه و متن ۳۷۲ مورد است. و هر دو پای پیش او دراز و دو پای پس او کوتاه (همان: ۱۷۱)؛ در خانه معتدل در حرارت و برودت و خالی از رطوبت گشاده (همان: ۱۱۹)

د. کاربرد کنایه: شمار کاربرد انواع کنایه در دیباچه و متن ۱۲ مورد است و شامل کنایه از اسم (هفت مورد)؛ حیران برد از یاد به یک دم خفقان را (همان: ۳۸)؛ المؤید من السماء، المظفر علی الاعداء، اسکندر دارا، شاهنشاه جهان آرا (همان: ۳۷)؛ کنایه از صفت چهار (۴ مورد)؛ از امروز تا هست خورشید و ماه (همان: ۳۸) آن که در صد هزار سال، شخصی پیاده را نارد چو او سوار به میدان روزگار (همان: ۳۷)؛ تا قیام قیامت باقی ماند (همان: ۳۹)؛ کنایه از فعل (دو مورد)؛ ادویه را در خانه معتدل در حرارت و برودت و خالی از رطوبت گشاده اما، تا دودجات را در وی راه نبرد (همان: ۴۰)؛ ز ما هر ذره خاک افتاده جایی (همان: ۳۸)

ه. کاربرد تشبیه (سه مورد)؛ چون خرد طبع او هنرپرور، چون فلک، نام او جهان نما، جناب السلطان الدنيا و الدین (همان: ۳۷)؛ آن که در صد هزار سال شخصی پیاده را نارد چو او سوار به میدان روزگار (همان: ۳۸).

۲.۶.۳. سطح فکری:

تمرکز نویسنده بر موضوع طبی موجب کاهش انعکاس عقاید مؤلف در بحرالخواص شده است؛ اما از دیباچه ناقص بحرالخواص و متن اثر چنین برمی آید که طیب کرمانی، نویسنده و شاعری مداح است که پادشاه زمان خود را با القاب متعدد مدح کرده و هر دو اثر خود را به خواست او تألیف کرده است. همچنین خواسته وی از خوانندگان برای اصلاح متن و عفو کردن او، گویای انتقادپذیری وی است. علاوه بر این درج یک آیه از قران کریم در مقدمه، مسلمان بودن او را تأیید می کند؛ اما عبارت یا جمله ای در جهت تقویت شیعه یا سنی بودن وی در متن یافته نشد. نگارش دو اثر در موضوع طب و نجوم، به اشتراک گذاشتن نظریات خود و اشارات متعدد به آرای دیگر حکیمان و نقد آن ها نشان می دهد که طیب کرمانی جز فن شعر و نثر در دانش پزشکی و نجوم نیز دستی بر آتش داشته و آثار متعدد طبی و نجومی را نیز مطالعه کرده است.

۳. نتیجه گیری

بحرالخواص اثر طیب کرمانی از نویسندگان قرن نهم هجری است که به خواهش غیاث السلطنة و الدین ابوالمظفر نوشته شده است. این اثر شامل، یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه است و اسامی ادویه ها در مقاله نخست این اثر به پنج زبان فارسی، ترکی، عربی، هندی و یونانی و هفت گویش مصری، شامی، خراسانی، کرمانی، شیرازی و کابلی ترجمه شده است. مؤلف در نگارش بحرالخواص به دو اثر اختیارات بدیعی و گلستان سعدی چشم داشته و از آرای بیش از ۶۰ حکیم شناخته شده ایرانی و انیرانی چون ابوعلی سینا، رازی، انصاری، جالینوس، دیسقوریدوس، منصور بن علی الکاتب الشهیر السمانی، دیمقراطیس، خوزی، فخرالدین رازی، ابن سراج الدین جوزجانی صاحب منهج، ابن ماسویه، اسحق بن عمران، فووس، حبیش بن الحسن، ماسرجویه، اسحاق، صاحب فلاحه، غافقی، مسیح بن حکم، جاحظ، ارسطاطالیس، شریف، تیاذوق، علی بن رضوان معروف به ابن حبیش، مهراریس، فارسی، طبری، بقراط، ارباسوس، ابن زهر، سفیان آندلسی، ابن رضوان و... بهره برده است. مؤلف جز درج نظریات طبی خود به تلخیص، تفصیل و تغییر دستورات دارویی موجود در اختیارات بدیعی پرداخته است. وجود نسخه های دارویی خرافی و

جادویی، نجوم پزشکی، ترکیبات دارویی طب اسلامی، ترکیباتی برای راندن حیوانات موذی و جنیان، بدل داروها و استفاده از نظریات پزشکی حکیمان متعدد در ساخت ترکیبات دارویی و درمان بیماری‌ها از مواردی است که موجب برتری بحرالخواص در میان قراپادین‌های دیگر شده‌است. بررسی سبک شناسی بحرالخواص نشان می‌دهد که نثر این اثر مطابق آنچه در دوره تیموری رایج است؛ سبک بینابین دارد؛ به طوری که دیباچه با نثری مصنوع و آمیخته به آرایه‌هایی که اغلب لفظی (سجع، موازنه و تضاد) است؛ آغاز شده‌است و در ادامه به شیوه نثر علمی تألیف شده‌است. همچنین استفاده مؤلف از آرایه‌های معنوی به کاربرد چند کنایه و تشبیه در متن محدود می‌شود؛ کاربرد واژه‌ها و ترکیبات کهن در متن اندک و استفاده از کلمات عربی متعدد است؛ اما واژه‌های غریب و نامأنوس کمتر به چشم می‌خورد. همچنین عقاید مؤلف در متن کمتر بازتاب داشته‌است.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. قرآن کریم.

۲. انصاری، علی بن حسین. (۱۳۹۸). *اختیارات بدیعی*. به تصحیح محمدرضا شمس اردکانی و فرید رضانی. تهران: چوگان.
۳. بهار، محمدتقی. (۱۳۷۲). *سبک شناسی*. جلد سوم. چاپ هفتم. تهران: امیرکبیر.
۴. بیگ باباپور، یوسف. (۱۳۹۳). *فهرست توصیفی دستنویست‌های پزشکی دوره اسلامی*. جلد ۱. تهران: سفیر اردهال.
۵. دانشفرد، بابک. (۱۳۹۱). «تأثیر مکتب جندی شاپور بر مکتب پزشکی بغداد». *تحقیقات تاریخ پزشکی*. سال ۲. شماره ۲. صص: ۴۹-۵۶.
۶. رضوی برقی، سیدحسین. (۱۳۸۳). «نقد و نگاهی به ترجمه کتاب «طب در دوره صفویه»». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. سال ۷. شماره ۷۰ و ۷۱. صص: ۲۲-۲۸.
۷. سعدی، مصلح الدین. (۱۳۶۸). *گلستان*. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
۸. صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران*. تلخیص سید محمد ترابی. جلد ۱. چاپ ششم. تهران: فردوسی.
۹. طبیب کرمانی، مغیث‌الدین. (۱۳۹۹). *الهامات المعبودیه فی اختیارات المسعودیه*. به تصحیح محمد مهدی پورغلامعلی. رفسنجان: دانشگاه ولی عصر (عج).
۱۰. طبیب کرمانی، مغیث‌الدین. (ف ۹۰۰ق). *بحرالخواص*. ازبکستان: مؤسسه البیرونی، شماره ثبت: ۲۱۴۶. [نسخه خطی] تألیف ۸۶۸ق. تاریخ کتابت: ۱۷م.
۱۱. طبیب کرمانی، مغیث‌الدین. (ف ۹۰۰ق). *بحرالخواص*. تهران: مجلس شورای اسلامی. شماره ثبت: ۱۷۹۲۷ش. [نسخه خطی] تألیف ۸۶۸ق. تاریخ کتابت: بی‌تا.
۱۲. طبیب کرمانی، مغیث‌الدین. (ف ۹۰۰ق). *بحرالخواص*. روسیه: بنیاد خاورشناسی فرهنگستان شوروی. شماره ثبت: C648. [نسخه خطی] تألیف ۸۶۸ق. تاریخ کتابت: ۱۲ تا ۱۳ق.
۱۳. طبیب کرمانی، مغیث‌الدین. (ف ۹۰۰ق). *بحرالخواص*. قم: مسجد اعظم. شماره ثبت: ۱۰۶۸. [نسخه خطی] تألیف ۸۶۸ق. تاریخ کتابت: بی‌تا.
۱۴. طبیب کرمانی، مغیث‌الدین. (ف ۹۰۰ق). *بحرالخواص*. لندن: انجمن پادشاهی آسیایی لندن. شماره ثبت: 5855. OR. [نسخه خطی] تألیف ۸۶۸ق. تاریخ کتابت: بی‌تا.
۱۵. فرخ‌نیا، رحیم. (۱۳۸۲). «طب اسلامی و جایگاه آن در میان نظام‌های بزرگ طب سنتی». *مشکوٰه*. سال ۲۱. شماره ۸۱. صص: ۷۶-۸۶.
۱۶. نجم آبادی، محمود. (۱۳۹۳). *تاریخ طب در ایران از ظهور اسلام تا حمله مغول*. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.

ب. منابع لاتین:

1. Mousiyef, N. (1951). *The treasury of oriental manuscripts of the Abu rayhan Al-Biruni Institute of the republicUzbekistan*. Tashkand: Al-Biruni Institute press.

References

The Holey Quran.

- Ansari, A. (2019). *Ekhtiyarat-e- Badiei*. Edited by Mohammadreza Shams Ardakani and Farid Ramezani. Tehran: Chogan. (in Persian)
- Bahar, M. (1993). *Stylistics*. Vol. 3, 7th Edition. Tehran: Amirkabir. (in Persian)
- Beyg Babapour, Y. (2014). *Descriptive Catalog of Medical Manuscripts of the Islamic Period*. Vol. 1. Tehran: Safir Ardehal. (in Persian)
- Daneshfard, B. (2012). *The Influence of the Jundi Shapur ideology on the Baghdad Medical ideology*. 2(2), 49-56. (in Persian)
- Farrokhnia, R. (2003). "Islamic Medicine and its Status Amidst Great Systems of Traditional Medicine". *Meshkat*, Year 21, No. 81, 76-86. (in Persian)
- Mousiyef, N. (1951). *The treasury of oriental manuscripts of the Abu rayhan Al-Biruni Institute of the republicUzbekistan*. Tashkand: Al-Biruni Institute press.
- Najmabadi, M. (2014). *History of Medicine in Iran from the Advent of Islam to the Mongol Invasion*. Vol. 1. Tehran: Tehran University Press. (in Persian)
- Razavi Borqei, H. (2004). *Critique and Review of the Translation of the Book Medicine in the Safavi Period*. Monthly Book of History and Geography, 7(70& 71), 22-28. (in Persian)
- Sa'di, M. (1989). *Golestan*. Edited by Gholamhossein Yousefi. Tehran: Kharazmi. (in Persian)
- Safa, Z. (2004). *History of Persian Literature*. Abridged by Seyyed Mohammad Torabi. Vol. 1, 6th Edition. Tehran: Ferdowsi. (in Persian)
- Tabib Kermani, M. (2020). *Ilhamat al-Ma'budiyyeh fi Ikhtiyarat al-Mas'udiyeh*. Edited by Mohammad Mehdi Pourgholamali. Rafsanjan: Valiasr University press. (in Persian)
- Tabib Kermani, M. (1494). *Bahr al-Khavvas*. Uzbekistan: Al-Biruni Institute, Registration No. 2146. [Manuscript]. Composed in 1463. Date of Writing: 17th century. (in Persian)
- Tabib Kermani, M. (1494). *Bahr al-Khavvas*. Tehran: Islamic Consultative Assembly Library, Registration No. 17927Sh. [Manuscript]. Composed in 1463. Date of Writing: Unknown. (in Persian)
- Tabib Kermani, M. (1494). *Bahr al-Khavvas*. Russia: Institute of Oriental Studies, Academy of Sciences of the USSR, Registration No. C 648. [Manuscript]. Composed in 1463. Date of Writing: 18th-19th centuries. (in Persian)
- Tabib Kermani, M. (1494). *Bahr al-Khavvas*. Qom: Masjid-e-Azam Library, Registration No. 1068. [Manuscript]. Composed in 1463. Date of Writing: Unknown. (in Persian)
- Tabib Kermani, M. (1494). *Bahr al-Khvvas*. London: Royal Asiatic Society of London, Registration No. 5855. OR. [Manuscript]. Composed in 1463. Date of Writing: Unknown. (in Persian)